فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و سوم. تابستان ۱۳۹۷، صص۹۵-۸۵ Vol 2. No 23. 2018, p 85-95
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

ظرفیت حقوق کیفری در استفاده از منابع فقهی و فتاوای معتبر

پویا مجرد[۱]. دکتر صالح فرهادی[۲]. حجت الاسلام محمد جعفرزاده[۳]
۱، ۲، ۳ . گروه حقوق، واحد بیله سوار، دانشگاه آزاد اسلامی، بیله سوار، ایران

چکیده

در تمام نظامهای حقوق کیفری در دنیا همواره رسیدن به بهترین روشهای پیشگیری ومجازات مراد و مقصود است در این راستا، نظریه جرم شناختی عدالت کیفری ترمیمی، از چالش برانگیزترین کانون‌های مطالعه بین رشته‌ای میان آموزه‌های فقه جزایی با مدرنیسم علمی در حوزه دانش حقوق است. راهبردهای سیاست جنایی غرب در واکنش جزایی به بزه، بسیار موقتی بوده، در حالی که گفتمان غربی عدالت ترمیمی رهاورد چاره جویی برای مهار بحران‌هایی همچون افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها و نارضایتی مردم از چیرگی هدف سزادهی بر منطق حاکم بر نظام‌های قضایی و پلیسی دولت‌های غربی است، اما محوریت گفتمان اسلامی عدالت ترمیمی بر پایه اصول و تأسیسات متنوعی، از جمله ترغیب به بزه‌پوشی، عفو در تعزیرات حق اللهی و حق الناسی، در حد اصلاح ذات البین، حکمیت، شفاعت، ماهیت جبرانی دیه، قاعده لایبطل، قاعده جب توبه و. . . حاکی از توانمندی سیاست جنایی اسلامی در اجرای عدالت ترمیمی بدون نواقصی است که سیاست جنایی غربی همچنان پس از چهار دهه از تولد این نظریه جرم شناسی با آن روبه‌روست. این نوشتار پس از تبیین کوتاه نظریه عدالت ترمیمی در قلمرو دانش جرم‌شناسی، اهم منابع و حیانی و روایی مولّد نهادهای ارفاقی فقه کیفری اسلام را نقل می‌کند و از دیگر سو، تحلیل می‌کند که منابع اسلامی بومی چه رهیافت‌هایی برای برون‌رفت گفتمان غربی عدالت ترمیمی از چالش‌های فرارو به دست می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: سیاست‌های کیفری، عدالت، فقه اسلامی، فتاوی معتبر، مجازات، جرم

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه:

اساساً قوانین جزایی آفریننده حقوق برای افراد جامعه نیست؛ بلکه تنها افراد را مجبور به رعایت حقوق و ارزش‌ها می‌کند. به همین دلیل است که حقوق جزا را، «حقوق ارزش‌ها» نیز نامیده‌اند. مشخصه بارز حقوق جزا (کیفری)، ضمانت اجرای شدید آن است. این مجازات و کیفر است که حقوق جزا را به رشته‌ای سرکوبگر، در مقابل سایر گرایشها تبدیل کرده‌است. از آن‌جا که این ابزار تنها در اختیار حاکمیت است، حقوق جزا را شاخه‌ای از حقوق عمومی دانسته‌اند.

دوره‌هایی از تاریخ حقوق کیفری بوده‌است که در آن، هرکس برای احقاق حق خویش خود اقدام می‌کرد و متعدی به حق خود را می‌داد (دوره دادگستری خصوصی). حتی پیش از این دوره، مسئولیت جمعی در مقابل مسئولیت فردی مطرح بوده‌است (دوره جنگ‌های خصوصی) که در آن زمان، چنانچه فردی از افراد گروه مرتکب جرمی می‌گردید، تمام گروه متعلق به بزه دیده با تمام گروه متعلق به بزهکار وارد نبرد تمام عیار می‌شدند. پس از این دوره‌ها بود که رفته رفته دروه دادگستری عمومی ظاهر شد که در آن، تعقیب و مجازات بزهکاران به دست رئیس و یا حکومت سپرده شد و افراد حق دخالت مستقیم در کیفر را از دست دادند و جامعه حق اجرای کیفر را به دست حکومت سپرد. از همین رو، مدتهای مدیدی است که کیفر، به عنوان یک ابزار شدید و سرکوبگر در دست حکومتها قرار گرفت. ویژگی اصلی حقوق جزا در همین نکته نهفته‌است. در یکسوی مسائل حقوق جزا، همواره حکومت نشسته‌است (میرخلیلی، ۱۳۸۹:۶۵)

حقوق جزا به تنهایی قادر به استخراج و اعمال مفاهیم خود نیست. این گرایش به شدت نیازمند بهره‌گیری از علوم دینی و فقهی، فلسفی، جامعه شناختی و جرم‌شناختی است. چرا که وظیفه این گرایش، همان‌طور که بیان شد، حمایت از ارزش‌های جامعه‌است. پس حقوق کیفری، برای تشخیص ارزشهای یک جامعه ناگزیر از درک مبانی دینی و فقهی و فسلفی هر جامعه‌است. حقوقدان جزایی، باید ابتدا ارزشهای جامعه خود را درک کند، و سپس با استفاده از روشهای ارائه شده در علوم جرم‌شناسی و کیفرشناسی، روش‌های مناسبی را برای مقابله با نقض ارزشها اتخاذ نماید.

بیان مساله:

توجه بدین نکته که باید پژوهش های فقهی به اندیشه راهبردی در زمینه ترسیم نظامی به نام نظام عدالت کیفری اسلامی تبدیل شود حایز اهمیت است. لازم است که تحقیقات فقهی- حقوقی به سوی ارائه اندیشه‌های جدید و نو حرکت کنند تا علاوه بر روشن شدن اهمیت و ضرورت این نوع پژوهش‌ها، موجبات کاربردی بودن مباحث در اجرای عدالت کیفری را فراهم آوریم (غلامی، ۱۳۸۵: ۷۶). در حقیقت نظام و حکومتی لازم است تا احکام قضایی و جزایی را به اجرا درآورد و حدود و قصاص و دیات و مجازات‌های مالی و اقتصادی را محقّق سازد و اساساً عدالت کیفری، بدون نظام و سازمان امکان‌پذیر نیست و این دو، متلازم یکدیگرند و حکومت، مجری احکام جزایی و قضایی است. در بیانات گهربار قرآن و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

روایات نیز به طور مفصّل و جامع، اصول کاملی برای حفظ حقوق بشر و تحقّق عدالت کیفری بیان شده که از این قبیل می‌توان به اصل قانونی بودن مجازات ها، اصل شخصی بودن مجازات‌ها، اصل برائت و اصل تناسب مجازات ها اشاره کرد. درحقیقت، هر مکتبی که پیام‌آور شریعتی برای بشر باشد، به یقین، احکام فردی و اجتماعی را با خود آورده است و این احکام، در صورتی مفید و کارساز خواهند بود، که به اجرا درآیند و اجرای قانون و احکام الهی نیز ضرورتاً نیازمند نظامی است که ضامن آن باشد. در غیر این صورت، یا اساساً احکام دینی به اجرا در نمی‌آید و یا اگر اجرایش به دست همگان باشد، لازمه‌اش هرج و مرجی است که بدتر از نبودن احکام در جامعه است .صرفِ قانون که وجود لفظی یا کتبی تفکر خاصی است، توان تأثیر در روابط خارجی را ندارد و حتماً یک موجود مرتبط با غیب و توانمند می‌خواهد که مسؤول تعلیم و حفظ و اِعمال آن باشد. در اینجاست که جایگاه پژوهش های فقهی نمایان شده و اهمیت و ضرورت توجه بدین تحقیقات در زمینه اجرای عدالت جزایی به وضوح آشکار می‌شود. اما عدالت کیفری به مقایسه زیان های وارده بر جامعه با خطای اخلاقی یا قابل سرزنش مرتکب، تعیین میزان کیفر و اجرای آن تعریف شده است، در حقیقت هدف عدالت کیفری اجرای مجازات بر اساس عدالت است. عدالت کیفری از نظر قاضی نیز، عبارت از بررسی وضعیت و کیفیت عمل مجرمانه انجام یافته، و تطبیق آن با مواد قانون جزا، به منظور ایجاد تعادل و توازن بین حقوق فرد و اجتماع است. (قیاسی، ۱۳۸۵: ۸۹)

یا به عبارت دیگر، قاضی برای تشخیص عدالت کیفری، در هر مورد شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر وقوع جرم، و همین طور کیفیت و نحوه ارتکاب و قصد و نیت باطنی یا خطای جرم را مورد مداقه قرار داده و با کشف رابطه سببیت بین عمل مجرمانه و نتیجه حاصله، مقصود قانونگذار را در وضع قانون، به منصه شهود درآورده و سپس با چشمانی باز، نسبت به تطبیق مورد با متن قانون، اقدام و با تعیین مجازات متناسب قانونی برای مرتکب جرم به دادگستری می‌پردازد. در تحقیق حاضر به بررسی ظرفیتهای حقوق و سیاستهای کیفری در ایران در استفاده ازمنابع فقهی وفتاوای معتبر پرداخته و تاثیرات آنها بر حقوق کیفری را تبیین خواهیم نمود.

اهمیت وضرورت تحقیق:

اهمیّت و ضرورت انجام تحقیق شامل اختلاف نظرها و خلاءهای تحقیقاتی موجود، میزان نیاز به موضوع، فواید احتمالی نظری و عملی آن و همچنین مواد، روش و یا فرآیند تحقیقی احتمالاً جدیدی که در این تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌باشد. بر حقوق کیفری، اصول بسیار مهمی حکومت می‌کند که می‌توان آن‌ها را سازنده نظام عدالت کیفری دانست. این اصول عبارتند از: اصل مسؤولیت اخلاقی، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها و محاکم، اصل شخصی بودن مسؤولیت کیفری، اصل عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری، اصل تفسیر مضیّق قوانین کیفری یا تفسیر قوانین کیفری به نفع متّهم، اصل برائت و قاعده درء، اصل تناسب بین جرائم و مجازات‌ها و کیفر بر اساس استحقاق. در این میان، پاره‌ای از اصول

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

اهمیت بیش‌تری داشته، بعضی از دیگر اصول، نتیجه منطقی آن‌ها به‌شمار می‌روند. این اصول در آیات متعدد قرآنی و فقه نیز به وضوح نمایان است و به خوبی نشان می دهد که قرآن کریم تا چه اندازه به عدالت همه جانبه و همه گستر بها می‌دهد. همین امر است که ضرورت انجام این تحقیق ولزوم آنرا به ما نشان می دهد.

پیشینه تحقیق:

احمدیان (۱۳۹۱) در کتابی بنام رابطه فقه وحقوق اسلامی معتقد است که قابلیت انعطاف فقه شیعی در اجرای عدالت کیفری و حرکت هماهنگ با نیاز های روز جامعه با حفظ اصول خود: حقوق اسلامی، حقوق الهی و دینی است و چنین می‌نماید که حقوقی ثابت و انعطاف‌ناپذیر باشد. اما چنانکه بسیاری از اسلام‌شناسان مسلمان و غیر مسلمان، اظهار داشته‌اند، وجود قواعدی مانند «مصلحت» و شیوه‌ای به نام «اجتهاد»، عملا انطباق‌پذیری حقوق اسلامی را با نیازها و مقتضیات جدید نشان می‌دهد. شناخت و پیش بینی درست فقیه از تحولات جامعه در تدوین قوانین عرفی در راستای قانون گذاری: شریعت در واقع یک نظام تشریعی است، نه فقط یک سلسله مواد تشریعی معینی. نظامی که به گونه‌ای سازمان داده شده است که امکان آن را داشته باشد تا در شرایط و مراحل مختلف زندگی بشر، با تکیه بر اصول کلّی خود به وضع قانون و مقررات لازم بپردازد، بر اساس چنین برداشتی از شریعت، فقاهت و اجتهاد هم عبارت است از تلاش روشمند ذهن برای شناخت قابلیت‌ها و استعدادهای چنان نظامی. اگر شریعت را به صورت یک نظام تشریع با استعدادهای فراوان برای سامان دهی مراحل مختلف زندگی بشر ندانیم، به هیچ روی نمی‌توانیم ادعای خاتمیت آن را داشته باشیم. اجتهاد ابزاری است که امکان کشف آن استعدادهای نهفته را فراهم می‌سازد، از این روست که اجتهاد را جزء متمم خاتمیت‌شریعت به شمار آورده‌اند.

جزایری (۱۳۹۰) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی جایگاه فقه در قانون مجازات اسلامی با رویکردی تطبیقی» معتقد است که با توجه به اهمیت پژوهش های فقهی درموضوعات مختلف روزمرگی که چه بسا فقیهی در مواجهه با قوانین و مقررات جامعه، مطابقت وعدم مطابقت با اسلام را با توسل بدین تحقیقات فقهی بیان دارد. و پرهیز از آسیب ها و خطرات روبروی تحقیق فقهی از یک سو، و برتریت و جامعیت فقه شیعی از سوی دیگر، جایگاه و منزلت پژوهشهای تحقیق بیش از پیش نمایان می‌شود. غفلت از آسیب های بیان شده در پژوهشهای فقهی و نادیده گرفتن فقه پویا، همه و همه در ترسیم دورنمای عدالت کیفری ما را دچار مشکلات فراوانی می کند.

حقیقت راد (۱۳۹۲). در پژوهشی با عنوان بررسی اصول فقهی در حقوق کیفری معتقد است: اگر چه بهره‌گیری از فرهنگ‌های متفاوت موجب تفاوت در ارزش‌ها و در نهایت منجر به تفاوت امر و نهی‌های مختلف در جوامع می‌شود و عملی که در یک نظام حقوقی جرم محسوب می شود از منظر نظام دیگر نه فقط جرم نبوده است بلکه مباح تلقی می‌شود، لیکن به دلیل اشتراک همه این نظام ها در موجودی به نام

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

انسان که موضوع واکنش کیفری قرار می‌گیرد، وجوه مشترک متعددی می‌توان یافت که تفاوت های مذکور را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در حقوق جزای عرفی این وجوه را می‌توان «اصول کلی حقوق جزا» نامید، به نحوی که مرزهای جغرافیایی و اختلاف نگرش‌ها آن ها را از مرزی به مرز دیگر تغییر نمی‌دهد. در بیانات گهربار قرآن و روایات به طور مفصّل و جامع، اصول کاملی برای حفظ حقوق بشر و تحقّق عدالت کیفری بیان شده که از این قبیل می‌توان به اصل شخصی بودن مجازات‌ها و اصل تساوی مجازات‌ها، اصل برائت، اصل قانونی بودن مجازات ها و اصل تناسب مجازات ها اشاره کرد.

فرضیه‌های تحقیق:

با توجه به مواد قانون مجازات وآئین دادرسی کیفری و قوانین دیگر در بسیاری از موارد از فقه وفتاوی معتبر بهره برده شده است. نمی‌توان همه سیاستها و قوانین کیفری ایران را برگرفته از فقه و فتاوی معتبر دانست. جز در برخی از اصول جدید التاسیس وبرگرفته از حقوق کیفری غرب در بیشتر موارد تاثیرات فقه را در حقوق کیفری ایران می توان دید

روش تحقیق در پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی- تحلیلی تألیف میابد. روش جمع آوری بیشتر بر اساس روش کتابخانه ای و استفاده از مقالات و پایان نامه‌های موجود در کتابخانه ملی، مجلس، دانشگاه تهران و تربیت مدرس و همچنین استفاده از سایت‌های معتبر نظیر نورمگز، ایران داک، مگ ایران و سایتهای پژوهشگاه‌ها و دیگر قطب های علمی کشور می‌باشد. با توجه به موضوع پژوهش تهیه مطالب جدید با وجود سری بودن و منابع بسیار محدود در این زمینه ازمشکلات وموانع بزرگ برسرراه این تحقیق بوده است. و با توجه به اینکه این تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی و کاربردی و از نوع پیمایشی است. یعنی من دراین تحقیق به دنبال چگونه بودن موضوع واینکه میخواهم بدانم این موضوع چگونه است؛ یعنی دراین تحقیق وضع موجودرا بررسی می‌نمایم و به توصیف منظم ونظامدار وضعیت فعلی خواهم پرداخت. و و یژگیها وصفات موضوع را مطالعه و در صورت لزوم ارتباط بین متغیرهای موضوع را بررسی خواهم نمود. این تحقیق جنبه کاربردی هم دارد زیرا از نتایج این تحقیق درتصمیم گیریها و سیاستگذاری‌ها و همچنین در برنامه ریزیها استفاده گسترده ای خواهد شد. این تصمیمات دربحث قانونگذاری بیشتر به کار خواهد آمد. این تحقیق از نوع پیمایشی نیز هست که در این نوع تحقیق به مطالعه وضعیت فعلی قوانین در زمینه‌هایی خاص خواهم پرداخت. جمع‌آوری اطلاعات از طریق بررسی کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها، از طریق مراجعه به کتابخانه، مراکز پژوهشی و اینترنت انجام شده و سپس پردازش داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده با استفاده‌ی بهینه، استدلالی وعقلی برای ارائه‌ی مطالب ونتایج پژوهش مرتبط مورد توجه قرار گرفته است. فهرست جامع منابع مذکور در قسمت فهرست منابع در آخر پژوهش آمده است. دراین پژوهش سعی من براین امر بوده

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

است که اصطلاحات ثقیل را حذف و با استفاده از کلمات و اصطلاحات فراگیر و رسا به فهم بهتر مطالب و نتایج تحقیق خود کمک نمایم.

سیاست‌های کیفری

سیاست به طور مختصر و ساده عبارتست از درک، تدبّر و ادارهٔ مسایل و امور جامعه، بدین سان سیاست جنایی از یک سو با تجزیه و تحلیل و فهم یک امر خاص در جامعه، یعنی پدیده مجرمانه و از سوی دیگر، با عملی ساختن یک استراتژی (راهبرد) به منظور پاسخ به وضعیت‌های بزهکاری یا کژروی (انحراف)، در ارتباط است.

اصطلاح سیاست جنایی برای اولین بار توسط آنسیلم فون فوئر باخ[1]در کتاب حقوق کیفری او که در سال ۱۸۰۳ میلادی منتشر گردید به کار برده شد از نظر او سیاست جنایی «مجموعهٔ شیوه‌های سرکوب گرانه‌ای که دولت با استفاده از آنها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد»می‌باشد (لازرژ، کریستین، ۱۳۸۲).

فقه

علم و آگاهی دقیق نسبت به علوم دین: کلمه فقه از نظر لغت معنای عامی دارد که متعلق آن هر نوع علمی می‌تواند باشد، ولی در فرهنگ آیات و روایات تدریجاً معنای خاص و ویژه‌ای را پیدا کرده‌است؛ مثلاً در سوره توبه کلمه تفقه در دین آمده‌استو یا در روایتی از امام باقر (ع) آمده‌است: الکمال کل الکمال التفقه فی الدین. این موارد و موارد دیگر هنوز استعمال کلمه فقه در همان معنای لغوی است چون قید فی الدین را به همراه دارد، ولی در بعضی از استعمال‌ها دیگر این قید همراه کلمه فقه و یا مشتقات آن نیست و گویا به خاطر شدت ارتباط بین این دوکلمه، از کلمه تفقه، تفقه در دین متبادر می‌شود؛ (فیض الاسلام، ۱۳۷۹:۶۵)مانند روایت امام صادق(ع) که فرمودند: لوددت أن اصحابی ضربت رئوسهم بالسیاط حتی یتفقّهوا. و روایت نبوی که در آن می‌خوانیم: الفقهاء امناء الرسل ما لم یدخلوا فی الدنیا...فقه به معنای علم و آگاهی نسبت به احکام دینی: با گذشت مدت زمانی نه چندان طولانی فقه در موارد زیادی به بخشی از علوم دینی، یعنی بخش احکام عملی و دستورهای رفتاری دین، اطلاق شد. شاید کثرت نیاز مردم به مسائل رفتاری و دستورهای دینی موجب انصراف معنای فقه از معانی سابق شده است. گرچه به درستی معلوم نیست به کار بردن فقه در این معنا از چه زمان شروع شده ولی گفته شده‌است: قدیمی‌ترین مورد استعمال فقه در این معنا که به نظر رسیده، خطبه خلیفه دوم در اردوگاه حبابیه است که مردم را در امور دینی به اهل فن رجوع داده‌است و در مورد معاذ بن‌جبل گفته: «هر کس از فقه سؤالی دارد سراغ معاذ برود» و نظر به این‌که معاذ بن‌جبل عالم به حلال و حرام و از اصحاب فتوا بوده‌است پس منظور از فقه همین رشته است و چون مردم از سخن وی همین معنا را فهمیده‌اند لابد پیش از آن رواج داشته‌است، پس خطبه نمی‌تواند آغاز

1. Anselm von feuerbach

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

این اصطلاح باشد. چنین به نظر می‌رسد که همان زمان نیز تنها به یک فرد مسئله‌دان اطلاق فقیه نمی‌شده‌است، بلکه به افرادی فقیه می‌گفتند که خود نیز دارای نظر و استنباط بوده‌اند. به هر حال در بعضی از روایات کلمه فقه به همین معنای علم به احکام شرعی به کار رفته‌است، چنان که حضرت علی (ع) فرمود: هر کس بدون علم فقه و اطلاع از احکام شرعی تجارت کند حتماً در ربا واقع خواهد شد. بنابراین، اطلاق فقه به احکام عملی دین در لسان روایات امری است که کم و بیش دیده می‌شود و همین اطلاق هنوز هم ادامه دارد .فقه به معنای علم فقه: در این‌که آیا در زمان حیات رسول خدا (ص) و دسترسی به نصّ، اجتهادی هم از طرف صحابه صورت می‌گرفته‌است یا نه، اختلاف است، ولی بعد از فوت رسول خدا(ص) عامه به دلیل فقدان نص و عدم اعتقاد به امامت و زعامت ائمه(ع) به عنوان جانشینان پیامبر، و از طرفی نیاز به جواب‌گویی به مسائل مستحدثه فراوان، شروع به اجتهاد به معنای مصطلح در نزد خود کردند. در این میان خاصه نیز گرچه دسترسی به ائمه (ع) داشتند، ولی به دلایل مختلف که از جمله آن آمادگی برای غیبت کبرا بود به تشویق و ترغیب خودِ ائمه(ع) شروع به اجتهاد کردند (غزالی، ۱۴۱۳: ۹۰) که خود حدیث مفصل دارد. در میان خاصه اجتهاد عبارت بود از کشف حکم شرعی با توجه به منابعی که حجیت آن قطعی باشد، مثل قرآن، سنت و عقل، و استنباط احکام در واقع کشف حکم شرعی بود نه تشریع آن. در حالی که عامه منظورشان از اجتهاد تشریع حکم بود، و این همان معنایی از اجتهاد است که سبب شد بعض از علمای خاصه به مخالفت با آن بپردازند .به مرور زمان در میان اهل سنت و امامیه ضرورت ایجاب می‌کرد که عملیات استنباط در محدوده‌ای با ابعاد و حدود مشخص انجام شود، لذا فقها به صورت مستقل و یا ضمنی به تحدید و تعریف موضوع علم فقه، منابع و مبانی و روش‌های اجتهاد و استنباط شروع کردند و علم فقه تعریف خاص و مشهور خود را یافت که عبارت است از: «علم به احکام شرعی از ادله تفصیلی». در این معنا از فقه، دیگر صرف احکام فقهی یا اطلاع و علم نسبت به آن‌ها مراد نیست، بلکه فقه علمی است که مانند دیگر علوم ابزار و اهداف و موضوعات خاص خود را دارد .در زمان حاضر فقه اکثراً در دو معنا استعمال می‌شود: یکی به معنای مجموعه احکام عملی دین و دیگری به معنای علم فقه. در این تحقیق منظور از فقه، دو معنای اخیر است و منظور از رابطه فقه و حقوق بررسی آن به صورت دو علم می‌باشد، ولی در مواردی قوانین و احکام به دست آمده از علم فقه و علم حقوق را نیز با هم مقایسه نموده و یا به آن‌ها استناد می‌کنیم. نکته دیگر آن‌که منظور از فقه نیز، فقه اسلامی به معنای عام آن می‌باشد که شامل همه مذاهب اسلامی است، البته سعی می‌شود که در هنگام بحث، موارد تفکیک فقه خاصه و عامه را متذکر شویم.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم مملو از آیاتی است که ظرفیت‌های سرشاری برای استفاده از سازوکارهای مورد توصیه نظریه عدالت ترمیمی است. شارع مقدس اسلامی تمایل چندانی به ارجاع مردم به نظام رسمی قضایی برای قطع

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

دعوا و فصل خصومت ندارد. به عکس، مضامین وحیانی بر اصلاح ذات البین، اصلاح و تأدیب، استثنابودنِ ارعاب و تغلیظ کیفر، درء حد، تشدید شرائط اثبات جرایم مستوجب عقاب شدید، بزه پوشی و به طور کلّی راهبردها و تأسیسات ارفاقی تأکید فراوان دارد. در سیاست جنایی قرآن کریم، اصل انحصاریت مرجع پاسخ دهی کیفری به بزه و به عکس، تعمیم پذیری پاسخ‌های غیرکیفری، جبرانی و مدنی در سیاست جنایی مشارکتی مورد تأکید همه جانبه است، ولی در عین حال، سزادهی به مثابه خصیصه عقلانی واکنش‌ها و یکی از اهداف مربوط به فلسفه مجازات‌ها فروکاسته نیست.

در واقع، مدل دینی ترمیم و عدالت ترمیمی قبل از عدالت کیفری رسمی قضایی مورد تأکید است؛ اگرچه نباید مغفول داشت که الگوی اسلامی سیاست جنایی نافی عدالت کیفری و قضایی رسمی نیست. نتیجه می‌گیریم که خصیصه حقوق اسلامی ـ با محوریت منطق حاکم بر سیاست جنایی قرآن کریم ـ عدالت کیفری صِرف، یا عدالت ترمیمی عام و بلامنازع نیست، بلکه در راهبردی چندوجهی حاوی گزاره‌های ترکیبی ترمیم محور و کیفرمحور رخ عیان می‌کند.

از دیگر سو، گفتمان‌های عدالت کیفری در سیر تحول جهانی نظام‌های سیاست جنایی، توجه خود را از جنبه‌های تنبیهی و اصلاحی به سوی جنبه ترمیمیِ ضمانت اجراهای جزایی منعطف کرده اند و از رهگذر ترمیم خسارت‌های بزه دیده و درگیرکردن بزهکار در فرایند ترمیمی، در پی آنند که مجرم را با پیامدهای وخیم جرمش آشنا کنند و بدین وسیله موجبات بازیکپارچگی او با هنجارهای اجتماعی را فراهم سازند. بدین سان، علاوه بر جبران خسارت بزه دیده، تنبیه و اصلاح و درمان نیز ممکن می گردد.

همپای مزایا، خوانش و گفتمان اروپایی عدالت ترمیمی با چالش‌های نظری و کاربردی فراوانی مواجه است که ادامه چیرگی این نظریه عدالت کیفری بر منطق نظام‌های معاصر سیاست جنایی را با تردید مواجه کرده است؛ کاستی‌هایی از جمله: فقدان چهارچوبی معین برای برنامه‌های ترمیمیِ جایگزین فرایندهای کیفری رسمی، استفاده از بزه دیدگان برای خارج کردن بزهکاران از گردونه نظام کیفررسانی زندان محور و پرهزینه از جهت صرف وقت و هزینه مشاوره برای جرایم کم اهمیت، فقدان بازدارندگی برنامه‌های ترمیمی در جرایم خطیر، ورود به حریم خصوصی مجرمان و بی‌توجهی به مسائل اصلی بزهکاری و پرداختن به جرایم خفیف و کمتر خطرزا. سیاست جنایی قرآن کریم، اما عاری از ایرادهای وارد به مدل غربی عدالت ترمیمی است؛ چه، اولاً) به اذعان بسیاری از پیش‌کسوت‌های عدالت ترمیمی اروپایی، یکی از مبانی طرح حمایت از بزه دیدگان - که عدالت ترمیمی منادی آن است - مبنای ایدئولوژیک و فلسفی آن است و گفتمان غربی، این مبنا را آیین‌های سازش در تعالیم الهی ملل شرقی برگرفته است. اصولاً این امر در نظام‌های حقوقی مبتنی بر مذهب صادق است، زیرا حمایت از مظلوم و دفاع از بزه دیده موجب خشنودی پروردگار می‌شود.

جلوه‌های عدالت ترمیمی در مجازات‌های فقهی، قواعد فقهی و تأسیس‌های فقه جزایی، ظرفیت قرار گرفتن در جایگاه محور منابعی را خواهد داشت که «مدل اسلامی/ ایرانیِ عدالت ترمیمی» از این سرچشمه‌ها قابل

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

استخراج و تئوریزه شدن است؛ امری که نیازمند توسعه این تحقیق از رهگذر تألیف پژوهش‌های بعدی است.

عرصه سیاست جنایی، در بر گیرنده بخشها و ابعاد متعدد است. که دراین تحقیق به بررسی مدلهای سیاست جنایی با تأکید بر مدل سیاست جنایی اسلام پر داخته شد. که در برایند آن، به نتایج زیر می‌توان دست یافت:

سیاست جنایی در مفهوم موسع «به مجموعه تصمیمات و اقداماتی اطلاق می‌شود که دولت یا نظام حقوقی معین به منظور اصلاح امور و رشد جامعه و ایجاد بهداشت جنایی و جرم انگاری و پیشگیری از وقوع جرم و مبارزه با مجرمان اتخاذ می‌کند». باعنایت به این تعریف می‌توان گفت که سیاست جنایی مجموع‌های از روش‌های مبارزه به جرم و انحراف است. و ما باید از روشهای متنوع این رشته به انسجام و وحدت در عملکرد برسیم و محوری را پیدا کنیم که مدلهاسیاست جنایی را حول آن طبقه بندی نمائیم. به نظر میرسد آن محور ایدئولوژی خاص هر جامعه است که سیاست جنایی مبتنی بر آن است.

سیاست جنایی انتخاب روش‌هاست، و این انتخاب تحت تآثیر عوامل مختلف خصوصاً مبانی ایدئولوژیک قرار دارد، تنوع مدلهای سیاست جنایی بر اساس تنوع مبانی ایدئولوژیک که الهام بخش و جهت دهندهٔ سیاست جنایی‌اند می‌باشد. سیاست‌های جنایی در جوامع مختلف با توجه به روش و عقاید حاکمان هر جامعه برای کنترل و اداره امور هر جامعه متفاوت است. با تحقیقات که انجام گرفت؛ مدلهای سیاست جنایی به طور کلی بر سه نوع (دولتی، جامعوی و مختلط–ترکیب از آن دو–) است. و با بررسی آنها، مدل مطلوب بدست آمده است.

یک سیاست جنایی مطلوب، و بر خلاف حقوق جزا، تنها متکی بر سیاست کیفری نیست؛ بلکه اصلاح مشکلات اجتماعی، زدودن عوامل بزهکاری، رفعبیعدالتی، و درمان بزهکاران را نیز جزء ویژگی‌های خود می‌داند. سیاست جنایی مطلوب، یک مفهوم عام و کلی است که در راستای رسیدن به اهداف خود، علوم بسیاری را به خدمت می‌گیرد. از این رو، سیاست جنایی از زوایای مختلف به سه دستهٔ فوق تقسیم بندی شد.

مدل مطلوب سیاست جنایی، مدل مختلط است. به نظر میرسدکه سیاست جنایی اسلام یک مدل مختلط باشد، اگر سیاست جنایی اسلام، به صورت یک مجموعه منسجم و بهم پیوسته مورد توجه قرار گیرد؛ در این صورت می‌توان یک مدل سیاست جنایی مشارکتی و مختلط، دارای اهداف عالیه که مبتنی بر عدالت و تکامل جامعه بشری است، تعریف کرد. بنابراین با توجه به مبانی و آموزه‌های سیاست کیفری اسلام مانند توجه به عدالت و شرافت انسانی و ضرورت حرکت در مسیر رشد، سیاست جنایی اسلام یک مدل مشارکتی است. که از انسجام و هماهنگی درونی برخوردار است. سیاست جنایی اسلام علاوه بر انسجام درونی، ویژگیهای دیگری نیز دارد که آن را از سایر مدلهای سیاست جنایی ممتاز می‌کند. و آن عبارتند از: الهی بودن، اجتماع محوری، مدبرانه بودن، رشدمدار بودن و مشارکتی بودن، ثبات و استمرار داشتن. امر به

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

معروف و نهی از منکر از جمله آموزه‌های مشارکتی بودن سیاست جنایی اسلام است که نقش کنترلی و پیشگیری از جرم را دارد. سیاست جنایی اسلام با وجود این ویژگی‌های فوق، اهدافی مانند: «عبرت آموزی، سزادهی، بازسازگاری و حفظ نظام اجتماعی» را دنبال می‌کند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

ـ احمدیان، سید عباس، (۱۳۹۰)، رابطه فقه و حقوق اسلامی، نشر سنجش و دانش، چاپ اول، تهران.

ـ جزایری (۱۳۹۰)، بررسی جایگاه فقه در قانون مجازات اسلامی با رویکردی تطبیقی» نشریه پیام آموزش، شماره، ۱۲، مهروآبان ۱۳۹۰

ـ غزالی، ابوحامد محمد بن محمد، المستصفی من علم الاصول، بیروت، دار الکتب العلمیۀ، چ اول، ۱۴۱۳ق، ص ۹۰.

ـ فیض الاسلام، سیدعلی نقی (۱۳۷۹)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، (خطبه‌های علی (ع)، تهران، فقیه، چاپ پنجم، ص ۶۵.

ـ قیاسی، جلال الدین (۱۳۸۵)، مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.

ـ غلامی، حسین (۱۳۸۵)، عدالت ترمیمی، تهران: سمت.

ـ لازرژ، کریستین؛ درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان، بهار ۱۳۸۲، چاپ اول، ص ۳۹.

ـ میرخلیلی، سید محمود، نمای سیاست جنایی اسلام، فصلنامه حقوق، مجلۀ دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۷، پاییز ۱۳۸۹.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]